



11 دسمبر 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## مختصری درباره تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان (بخش نهم)

### 4 - لویه جرگه سال 1320 ش (1941م):

این اولین لویه جرگه است که در دوره سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بتاريخ 4 عقرب 1320 ش (5 نوامبر 1941) در کابل تحت الشعاع رویدادهای مغلوق و پیچیده ای مربوط به سرنوشت یک عده آلمانی هائیکه در افغانستان مصروف خدمت بودند، دائر شد. این لویه جرگه ضمن تأیید مصوبه قبلی شورای ملی را در موضوع بیطرفی افغانستان در جنگ عمومی دوم مکرراً تصدیق نمود و به تاسی از اینکه افغانستان به هیچ کشور حق نمیدهد که از زمین و فضای آن به مقاصد و اهداف جنگی و نظامی استفاده نماید، تصمیم گرفت. همچنان لویه جرگه از اقدام حکومت افغانستان که متخصصین آلمانی و ایتالوی را به دشمن تسلیم نکردند، بلکه بطور مطمئن به کشورشان اعزام نمودند، استقبال کرد. برای وضاحت بیشتر موضوع و حساسیت های مربوطه در آن موقع دشوار که افغانستان با آن مواجه بود، لازم است مختصر در مورد موقف افغانستان در جنگ عمومی دوم صحبت کرد تا به انگیزه های تدویر این لویه جرگه عمیقاً پی برد.

### جنگ جهانی دوم و موقف افغانستان در قبال آن:

جنگ جهانی دوم که در سال 1939 آغاز گردید و تا سال 1945 مدت شش سال ادامه یافت، یکی از خونبارترین جنگ ها در تاریخ جهان بشمار میرود که قدرت های بزرگ آنوقت در دو جناح: از یک جانب آلمان، ایتالیا، جاپان و چند کشور کوچک اروپای شرقی زیر نام کشورهای "محور" و از جانب دیگر انگلستان، فرانسه، اتحاد شوروی و بعداً ایالات متحده امریکا و یک تعداد کشورهای اروپائی مسمی به "متحدین" یکی در مقابل دیگر قرار گرفتند. این جنگ خانمانسوز نه تنها اروپا را به ویرانه تبدیل کرد و میلیونها انسان را به کام مرگ سپرد، بلکه اثرات آن به قاره های دیگر بخصوص آسیا و افریقا نیز سرایت کرد و خسارات مالی و جانی بی شمار را به وجود آورد.

با آنکه در دوران این جنگ روسیه شوروی در شمال افغانستان، ایران در غرب و هند برتانوی در جنوب کشور از این جنگ سخت خساره مند شدند، اما افغانستان توانست با تدبیر سردار محمدهاشم خان صدراعظم که در آغاز جنگ بتاريخ 6 سپتمبر 1939 م طی صدور یک فرمان پادشاهی از حضور اعلیحضرت محمد ظاهر شاه توانست بیطرفی افغانستان در جنگ اعلام نماید و کشور را از شعله های این آتش در امان نگاهدارد.

بعد از آنکه قوای مجهز آلمانی اکثر کشورهای اروپائی را به شمول فرانسه تسخیر کردند و سپس موضوع حمله به شوروی از طریق اروپای شرقی را در پیش گرفتند، قوای محور کوشیدند تا شوروی را از طرف جنوب نیز زیر فشار قرار دهند که البته بعد از اشغال ایران توسط قوای انگلیس

و روسیه و تقسیم ایران بین خود بتاريخ 3 سنبله 1320 (25 تا 29 آگست 1941) آنها متوجه افغانستان شدند تا در ایجاد تسهیلات انتقال قوا همکاری افغانستان با خود جلب کنند و بدینوسیله شوروی را از طرف جنوب نیز زیر فشار قرار دهند. در عین زمان قوای محور در اواسط سال 1937 تاحدی نیز موفق شده بود به همکاری شخصی بنام "فقیر ایپی" و نیز شخصی دیگر بنام محمد سعید الگیلانی مشهور به "پیر شامی" که هر دو خویشان را به حیث یک رهبران دینی جا زده بودند و فعالیت‌های وسیع ضد انگلیسی را در مناطق مختلف آزاد قبایلی ماورای سرحد با ایجاد یکنوع مقاومتها راه اندازی نمایند تا از آن طریق قوای هند برتانوی را در آن ساحات مصروف نگه‌دارد که آنها نتوانند از قوای خود در سائر میدان‌های جنگ استفاده کنند.

تسلط روس و انگلیس بر ایران و اوضاع نا آرام در مناطق قبایلی از یکطرف و فشار های وارده قوای محور بر اینکه باید شوروی از سمت جنوب نیز زیر فشار قرار گیرد، وضع دشواری را برای سیاسیون افغانستان به وجود آورد که باید در بین دو مشکل یک موقف میانه را انتخاب نمایند: از یکطرف فشار متحدین، بخصوص برتانیای و روسیه تا افغانستان در همکاری با کشورهای محور قرار نگیرد و از طرف دیگر فشار مردم اعم از عوام و بعضاً خواص در داخل کشور مبنی بر اینکه باید افغانستان از کشورهای محور حمایت کند.

حکومت افغانستان در بین این دو قطب فشار - یکی داخلی و دیگر خارجی باز هم موقف بیطرفی کشور را بتاريخ 28 جولای 1941، زمانیکه جنگ جهانی به شدت زیاد در جریان بود، بار دیگر از طریق مصوبه شورای ملی اعلام نمود و به تعقیب آن بتاريخ 4 عقرب 1320 (5 نوامبر 1941م) لویه جرگه را در کابل دائر کرد و بوسیله آن بیطرفی افغانستان را مکرراً از نظر ملی مشروعیت بخشید.

اینکه چرا آلمانها در بین مردم افغانستان از محبوبیت زیاد برخوردار بودند، سؤال است که جواب آن به چند دلیل عمده بر میگردد، از جمله:

1 - بین آلمان و انگلستان در طول تاریخ روابط رقابتی و بعضاً دشمنانه موجود بوده و افغانها بطور کل در برابر انگلیس ها عقده مند بوده اند، لذا "دشمن، دشمن را دوست شمردن" باید یک پدیده طبیعی محسوب کرد؛

2 - استقبال صمیمانه حکومت آلمان از هیئت افغانی برای برسمیت شناختن استقلال افغانستان و مساعدت های لازم سیاسی و اقتصادی آن کشور در ذهن مردم افغانستان اثرات مهم و دوستانه را در برابر آلمانها ایجاد کرده بود؛

3 - اشتراک متخصصین آلمانی در عصر امانی در پروژه های بزرگ و ابراز صمیمیت و اخلاص آنها در برابر افغانها در آنوقت بر محبوبیت آلمانها بطور کل در افغانستان افزود؛

4 - استقبال بسیار گرم و بی نظیر از اعلیحضرت غازی امان الله شاه حین سفرش به آلمان هنوز در اذهان بعضی ها باقی مانده بود؛

5 - ادعای نازیها مبنی بر منسوبیت خود به نژاد "آریائی" احساس غرور هم نژاد بودن را با آنها نزد بسا حلقات افغانی تقویه کرد؛

6 - پیشرفتهای تکنیکی و نظامی آلمان، بخصوص در سالهای آغاز جنگ عمومی دوم این روحیه را نزد افغانها بار آورد که گویا فتح و ظفر در نهایت از آلمانها است.

نگاهی به سوابق روابط گرم سیاسی و اقتصادی بین افغانستان و آلمان در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد نادرشاه و بعد از آن نیز گواه بر همین دوستی عنعنوی بین دو کشور است، چنانچه شاه محمود

خان وزیر حربیه در سال 1936 برای تماشای مسابقات بین المللی المپیک به آن کشور رفت و سپس صدراعظم محمد هاشم خان نیز جهت تداوی عازم آنجا گردید؛ فیض محمد خان زکریا وزیر خارجه و عبدالمجید خان زابلی وزیر اقتصاد و شخصیت مقتدر کشور بخاطر خریداری اسلحه، ماشین آلات صنعتی، استخدام متخصصین و دریافت قرضه به آلمان رفتند و حکومت آن کشور حاضر شد به مبلغ 21 میلیون مارک به افغانستان قرضه دهد، حتی گفته شد که هیئت افغانی در آنوقت با هیتلر نیز دیدار داشته است. در سال 1937 پرواز طیاره های شرکت هوایی "لوفت هنزا" هفته یک بار بین کابل و برلین نشانه ای دیگر از حسن روابط بین دو کشور محسوب میشود و در همان سال با امضای قرارداد تجارتي زمینه استخدام یک تعداد زیاد متخصصین آلمانی در پروژه های انکشافی افغانستان مساعد گردید که ورود آنها با فامیلهای شان قدم مهم دیگر در راه تشنید مناسبات بود.

مسلم است که توسعه روزافزون روابط افغانستان با آلمان برای انگلیسها خوش آیند نبود، ولی هر بار که یک قدم بیشتر در این راه گذاشته میشد، صدراعظم وقت محمد هاشم خان به انگلیسها این اطمینان را میداد که افغانستان از تعهد حفظ بیطرفی خود هرگز پا فراتر نخواهد گذاشت و با برقراری روابط با آلمانها دلیل می آورد که در دوستی افغانستان به روی همه کشورها باز است و به همین دلیل از ادامه کار متخصصین آلمانی در افغانستان حمایت میکرد.

این وضع تا زمانی ادامه یافت که در ماه جون 1941 قوای آلمانی بر شوروی حمله کرد. شوروی در اکتوبر همان سال طی یک یادداشت رسمی موجودیت آلمانها را در افغانستان برای شوروی غیرقابل تحمل دانست و به تعقیب آن انگلیس نیز به حکومت افغانستان اخطار داد تا آلمانها را هرچه زودتر از خاک خود خارج سازد. افغانستان ناگزیر با قبول بعضی شرایط در صدد اخراج و برگرداندن آنها به وطن شان با عزت و حرمت و با اطمینان خاطر پرداخت.

### گزارش مختصر از جریان خروج متخصصین آلمانی و ایتالوی:

محبوبیت آلمانها در افغانستان بحدی زیاد بود که حتی در بین بسیاری از مردان کابل و اطراف کشور بروتهای "هیتلری" مود روز شده بود و در هر خانه صحبت از پیشرفت آلمانها در جنگ بود. در این حال آوازه خروج آلمانها از افغانستان بین مردم یک هنگامه را ایجاد کرده بود و همه این اقدام را به مثابه "بی غیرتی" و مغایر به عنعنه افغانی میدانستند. حکومت برای تسکین خاطر مردم ناگزیر شد از روی فشار های وارده بر حکومت افغانستان از طرف برتانیه و شوروی پرده بردارد و واقعیت ها را برای مردم تشریح و توضیح دهد. همان بود که بتاريخ 20 میزان 1320 (15 اکتوبر 1940) برای رفع نگرانی مردم، نجیب الله خان مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه از طریق رادیو کابل آنوقت بیانیه مفصل خود را پخش کرد. او اولتر از همه آوازه راه خواستن انگلیس ها را جهت انتقال قوای شان بخاک شوروی از طریق افغانستان و تقویه بنیه دفاعی شوروی و مقاومت علیه تهاجم آلمانها به آن کشور که ذهنیت مردم عوام افغانستان را دچار تشویش و نگرانی شدید ساخته بود، طوریکه فکر می شد که بار دیگر قوای انگلیسی به افغانستان رو خواهد آورد، آنرا فقط یک شایعه بی اساس خواند و ضمناً به حساسیت های سیاسی در ارتباط با لزوم خروج متخصصین آلمانی از افغانستان توضیحات ارائه کرد و نیز رسیدن به یک تفاهم با مقامات برتانیوی و روسی را در زمینه برای مردم تشریح نمود.

به اساس مذاکرات متواتر مقامات افغانی با سفرای برتانیه، روسیه و آلمان در کابل قرار بر این شد که سفیر برتانیه بصورت تحریری تضمین کند تا آلمانها و ایتالوی ها را با فامیلهای شان از طریق هند

بوسیله کشتی به بصره و از طریق عراق به انقره، جائیکه قوای محور در آن مسلط بود، صحیح و سالم برسانند. برطبق همین ضمانت بتاريخ 8 و 9 عقرب 1320 (30 و 31 اکتوبر 1940) جمعاً به تعداد 180 نفر آلمانی و 8 نفر ایتالی به شمول فامیل‌های شان بوسیله چند سرویس "بس" و چندین لاری کابل را ترگ گفته رهسپار پشاور گردیدند. آنها بتاريخ 8 نوامبر بوسیله ریل از پشاور بطرف کراچی رفته و سپس ذریعه کشتی به بصره و بتاريخ 25 نوامبر از طریق بغداد توسط ریل به انقره رسیدند. (برای شرح مزید دیده شود: آدامک: "روابط خارجی افغانستان در اوایل قرن بیست" - ترجمه دری... صفحه 368 تا 374)

### تدویر لویه جرگه - شرح و بررسی مسائل:

در طول مدتیکه مذاکرات سیاسی بین حکومت افغانستان، شوروی و انگلیس و سفارت آلمان در کابل در جریان بود و حکومت افغانستان زیر فشار سه جانب قرار داشت، ترتیبات مقدماتی برای تدویر یک لویه جرگه رویدست گرفته شد. حکومت به ولایات هدایت داد تا از هر ولسوالی سه نفر و از مراکز هر ولایت دو نفر نمایندگان را در جرگه انتخاب و به کابل اعزام دارند. محل اقامت نمایندگان در کابل در عمارت لیسه حبیبیه در جوار دریای کابل و مقبره اعلیحضرت تیمورشاه (فعالاً مکتب عایشه درانی) تعیین گردید. قبل از افتتاح لویه جرگه صدراعظم محمد هاشم خان به معیت حضرت فضل عمر مجددی "نورالمشایخ" از نمایندگان دیدن کرده و مشکلات وارده، اهمیت و حساسیت موضوع را برای آنها توضیح کردند و در قبال آن مجبوریت خروج آلمانها را با وجودیکه خلاف عنعنه افغانی و اصول بیطرفی کشور بود، به آنها بیان نمودند. لویه جرگه با حضور یک هزار نفر متشکل از نماینده های انتخابی و اعضای مجلسین شورای ملی، مامورین عالیرتبه ملکی و نظامی و بعضی شخصیت های سرشناس به تاسی از همین هدف بروز موعود یعنی 14 عقرب 1320 با بیانیه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه افتتاح گردید.

اعلیحضرت در بیانیه خود خطاب به حاضرین لویه جرگه فرمود: «شما همه میدانید که به اثر این جنگ در مدت کم تغییرات بزرگ نه تنها در اوضاع جهان، بلکه در تمام جوانب زندگی ملل پیش شده محارب و غیرمحارب را یکسان متأثر کرده است. مخصوصاً درین چند ماه جنگ از غرب بجانب شرق کشانیده شده است و آن مملکت هائیکه قبل ازین خود را از جنگ نسبتاً دور نگهداشته بودند، به صدمات شدیدی دچار شده اند. بنابراین لازم شد که افغانستان که درین وقت نازک در سیاست خارجی خود که باساس بیطرفی و صلح بود و هست، درمقابل این حوادث موجود طوریکه باید و شاید غور و دقت کند و ملت و حکومت که هیچ وقت از یکدیگر جدائی نداشتند و در مسائل جزئی و کلی مملکت یک دست بودند، تبادل افکار و تصمیم لازم بگیرند. اینست که امروز بنام خداوند بزرگ این جرگه را افتتاح میکنم و از خداوند بکمال عجز آرزومندم که تصمیم های این جرگه بزرگ را باعث سعادت و بهبودی این خاک پاک گرداند و ملک را به برکت اتفاق، یک دستی و همدستی به آن سعادت و افتخارات که آرزوی قلبی من است، برساند و از وقایع بد زمانه نگهدارد.»

به تعقیب بیانات پادشاه نوبت به علی محمدخان وزیر امور خارجه رسید و او ضمن ایراد یک بیانیه مفصل برای حاضرین لویه جرگه معلومات لازم ارائه کرد و بر زوایای مختلف اوضاع جاری و فشارهای وارده از جانب مقامات شوروی و برتانوی مبنی بر خروج آلمانها از افغانستان روشنی انداخت که اهم نکات بیانات او چنین است:

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

علی محمد خان گفت: «بعد از اشتعال نائره جنگ دوم جهانی حکومت افغانستان بارها و بصورت جدی بیطرفی خود را اعلان کرده است؛ اخیراً بنا بر توسعه دامنه جنگ و نزدیک شدن به سرحدات مملکت ما اوضاع کسب وخامت کرد. حکومت افغانستان تلاش ورزید تا موازنه را در میان دول درگیر جنگ حفظ و بیطرفی واقعی خود را همچنان دوام دهد و چنانچه دوام داده است. اما متأسفانه از آوانیکه آلمان به روسیه حمله کرد، جراید و رادیو های برتانیه و هند برتانوی علیه افغانستان شایعات و پروپاگند هائیرا به نشر میرسانند. منابع برتانوی و هند برتانوی یک تعداد متخصصین آلمانی را که در پروژه های افغانستان کار میکنند، متهم به اقدامات و فعالیت های سیاسی علیه متحدین (انگلیس و روس) کرده اخیراً مطالبی درباره آنها و حکومت افغانستان نشر میکنند و جراید مذکور از حکومت های خود همواره خواسته اند تا به افغانستان فشار آورده شود که خانواده های آلمانی و ایتالوی از افغانستان خارج گردند.»

وزیر خارجه علی محمد خان در بیانیه خود تصریح کرد که: «بتاریخ 9 اکتوبر (17 میزان) سفارت بریتانیای عظمی و بتاریخ 11 اکتوبر (19 میزان 1320) دولت روس کتباً از حکومت [افغانستان] خواستند تا متخصصین آلمانی و ایتالوی که در افغانستان کار میکنند، از افغانستان خارج گردند. آنها دلائلی را ارائه کردند که متخصصین آلمانی را در تحریکات مردم و فعالیت های سیاسی علیه متحدین متهم کرده بودند؛ علی محمد خان همچنان به اطلاع اعضای لویه جرگه رسانید که بعد از چند بار مذاکرات با سفرای برتانیای و شوروی در کابل واضح شد که حکومت آنها غیر از اخراج متخصصین آلمانی و ایتالوی دیگر کدام خواهشی از افغانستان ندارند، لذا او به مشوره کمسیون امور خارجی شورای ملی و موافقه سفرای کشورهای مربوطه به این اقدام متوسل شد تا بعد از تفاهم و اخذ ضمانت تحریری از سفیر برتانیای متخصصین آلمانی و ایتالوی را با فامیلهای شدن از طریق هند و عراق به ترکیه بطور محفوظ و مطمئن به کشور شان انتقال دهند که اینکار بتاریخ 8 و 9 عقرب موفقانه به پایان رسید.

بعد از علی محمد خان نوبت سخنرانی به حضرت نورالمشایخ، حضرت چهارباغ و آخندزاده صاحب تگاو و یک تعداد دیگر رسید. جلسه روز اول در حوالی عصر پایان یافت و روز بعد جلسه بریاست محمد هاشم خان صدراعظم دائر شد که پس از بیانات صدراعظم فرصت سخنرانی به شاه محمود خان غازی وزیر حربیه و بعضی از علمای دینی داده شد. در پایان متن ذیل از طرف لویه جرگه به تصویب رسید و لویه جرگه با بیانیه محمد هاشم خان صدراعظم در ساعات عصر خاتمه پذیرفت. (برای شرح مزید دیده شود - علم فیض زاد: "جرگه های بزرگ ملی" ... صفحه 198 تا 205)

### متن مصوبه لویه جرگه سال 1320 ش:

(نحمد و نصلی علی رسوله الکریم الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین)

ما نمایندگان ملت افغانستان بموجب اختیاراتیکه از مؤکلین ما به ما داده شده است و برای لوی جرگه بکابل آمده ایم، بعد از آنکه بیانات عالیقدر جلالتمآب وزیر امور خارجه را راجع به گزارشات عالم و جریانات سیاسی افغانستان تا امروز استماع و در آن غور و دقت نمودیم، بیان میداریم: خط مشی سیاسی که حکومت المتوکل علی الله تاکنون تعقیب نموده، مطابق آرزوی ما بوده کاملاً درست است. لذا ما نمایندگان لوی جرگه سیاست بیطرفی کامل را که تاحال نگهداشته شده و در آینده هم بطور قطعی و حکم باید حفظ شود، تصدیق مینمائیم.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

افغانستان میخواید در سایه صلح با دول متعاقد و مخصوصاً همسایگان خود زندگی کند، اما ما نمایندگان بموجب اختیاراتیکه از مؤکلین خود داریم، این امر را بصورت قاطع و حتمی بیان میداریم که ملت افغانستان حاضر نیست هیچ خواهش یا مطالبه ای را که مستقیم یا غیرمستقیم متضاد شرف و عنعنات و استقلال تام ما باشد و از هر طرفی که باشد، مورد بحث یا قبول قرار دهد یعنی به هیچ حکومت خارجی بهیچ صورت و بهانه اجازه و موقع داده نخواهد شد که تمام یا حصه از مملکت افغانستان را اشغال نماید یا برای مقصد عسکری از زمین و یا فضای مملکت محبوب ما استفاده کند و یا کدام امتیازی در دوران جنگ از ما خواهش نماید و قطعاً لازم نمیدانیم که حکومت ما با یکی از دول خارجی داخل معاهده جدیدی شود که سیاست بیطرفی مملکت ما را اخلال نماید و همچنین به هیچ حکومت به هیچ صورت و بهانه موقع داده نمیشود و نخواهد شد که به کوچکترین حقوقیکه در معاهدات افغانستان و در حقوق بین المللی برای یک مملکت مستقل که افغانستان یکی از آنها است، معین شده است، تصرفات و مداخله نماید. علاوه بر آن افغانستان حق داشته و حق دارد و حق خود را محفوظ خواهد داشت که با هر مملکتی که میخواید روابط سیاسی خود را محفوظ نگهداشته و در آینده هم روابط سیاسی خود را قایم کند که نمایندگان ملت افغانستان بموجب اختیاراتیکه از مؤکلین خود داریم، برخط مشی فوق فیصله قطعی و حتمی مینمائیم.

ملت افغانستان هیچ وقت زیر بار هیچ یکی از حکومت های خارجی نرفته و نخواهد رفت، همیشه زندگی آزاد نموده و در آینده هم آزاد و مستقل زندگی خواهد کرد. ملت افغانستان بعون الله و تعالی متحداً حاضر هستند که خود را محافظه نموده باشرف زیست و حیات نمایند.»

پنجشنبه، مورخ 15 عقرب 1320؛ امضای وکلاء و نمایندگان ملت.

(متن فوق برگرفته شده است از کتاب: "جرگه های بزرگ ملی افغانستان"، ... صفحه 202 و 203، به استناد شماره 75 روزنامه اصلاح، مورخه 25 عقرب 1320)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ